

بررسی سبک فکری و عاطفی شخصیت‌های داستان شیر و گاو در کلیله و دمنه نصرالله منشی از دیدگاه نشانه‌معناشناسی گفتمانی

نادیا وارمیلی، فروغ کاظمی*

گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۳، صفحات ۱۶۵-۱۷۷

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۲۴۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: با توجه به ظهور دیدگاه‌های جدید و ورود آنها به حیطه مطالعات پژوهشگران آثار ادبی بویژه در چند دهه اخیر، لزوم توجه به آثار ادبی به شیوه‌های متفاوت بسیار ضروری بنظر میرسد و نشانه‌معناشناسی یکی از این رویکردهاست. نشانه‌معناشناسی گفتمانی رویکرد جدید در حوزه نقد ادبی بشمار میرود. در این رویکرد، نشانه‌ها بعنوان عوامل سازنده معنایی گونه‌های چندبُعدی، پویا و سیال هستند که با کنترل فرآیند گفتمانی در شکل‌گیری فکر و ایده اثر در بافتارهای مختلف از جمله بافتار عاطفی و فکری، هویت مییابند. کلیله و دمنه مشتمل بر مجموعه‌ای از معانی است که در بستری از حکایات قهرمانانی از جنس حیوانات با نقش و صفات انسانی، بدلیل برخورداری از ظرایف و دقایق معنایی والا، بستری بسیار مناسب برای مطالعات نشانه‌معناشناسی بحساب می‌آید. این پژوهش در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که چگونه نشانه‌های موجود در گفتمان، در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه نصرالله منشی سبب ایجاد حس رقابت میان شخصیت‌های اصلی داستان یعنی «دمنه» و «شنزبه» شده است و تقابل خرد و بی‌عقلی و فریب و صداقت چگونه بعنوان نشانه‌معناهای اصلی، بر سبک فکری و گفتمان ایدئولوژیک داستان تأثیر گذاشته است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: آنچه در این گفتمان اهمیت ویژه‌ای دارد، نوع حضور شوشگران آن (دمنه، شیر و کلیله) در گفتمان داستان است که با تصویر کشیدن رخدادها و حوادث مختلف از آرزوی دمنه برای ارتقاء یافتن در دربار شیر تا توطئه او علیه شنزبه و گرفتار شدن وی به عقوبت کارش نزد شیر، روند مختلف گفتمان عاطفی داستان را تشکیل میدهد.

نتیجه‌گیری: رخداد حادثه ارزش و احترام شنزبه نزد سلطان (شیر) گرچه در ابتدا به میل و خواسته دمنه بود، اما سبب ایجاد تغییر در نوع احساس وی و تحت تأثیر قرار دادن ایدئولوژی او گردید، کارکرد ارزشی گفتمان را در این داستان بشدت تغییر داد.

تاریخ دریافت: ۲۰ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۱ فروردین ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۲ خرداد ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نشانه‌معناشناسی گفتمانی، سبک،
سبک فکری، فرآیند عاطفی،
کلیله و دمنه.

* نویسنده مسئول:

f.kazemi86@yahoo.com

۷۷۶۷۰۰۹۳ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Exploring the Emotional and Intellectual Style of Lion and Cow Story's Characters in Nasrollah Munshi's Kelileh and Demneh from the Viewpoint of Semiotics of Discourse

N. Varmili, F. Kazemi*

Department of Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۰ March ۲۰۲۱

Reviewed: ۱۰ April ۲۰۲۱

Revised: ۲۴ April ۲۰۲۱

Accepted: ۱۲ June ۲۰۲۱

KEYWORDS

Semiotics of Discourse, Style, Intellectual Style, Emotional Process, Kelileh and Demneh.

*Corresponding Author

f.kazemi86@yahoo.com

(+۹۸ ۲۱) ۷۷۶۷۰۰۹۳

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Due to the emergence of new perspectives and their entry into the field of study of literary scholars, especially in recent decades, the need to pay attention to literary works in different ways seems very necessary and semantic sign is one of these approaches. Discourse semantics is a new approach in the field of literary criticism. In this approach, signs are the semantic constituents of multidimensional, dynamic and fluid types that are identified by controlling the discourse process in the formation of thought and the idea of effect in various contexts, including emotional and intellectual contexts. Kelileh and Demneh contains a set of meanings that in the context of the stories of heroic animals with human roles and attributes, due to its subtle nuances and semantic moments, is a very suitable context for the study of semantic signs. This study seeks to answer the question of how the signs in the discourse, in the story of the lion and the cow from Nasrollah Munshi, caused a sense of competition between the main characters of the story, namely "Demneh" and "Shenzabeh", and the contrast. How wisdom, irrationality, deception and honesty, as the main signs-meanings, have influenced the intellectual style and ideological discourse of the story.

METHODOLOGY: This research is a descriptive-analytical method based on library data.

FINDINGS: What is especially important in this discourse is the presence of its luminaries (Demneh, Shir and Kelileh) in the discourse of the story, which depicts various events from Demneh's desire to be promoted to the lion court to his conspiracy against Shenzabeh and being caught. As a punishment for his work with the lion, he forms a different process of the story's emotional discourse.

CONCLUSION: The incident of Shanzabeh's value and respect with Sultan (Shir), although at first it was Demneh's wish, but caused a change in his feelings and influenced his ideology. The value function of discourse in this story Changed.

DOI: ۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۱۲۴۱

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۰	 ۰	 ۰

مقدمه

نشانه‌معناشناسی^۱ بعنوان یک نظریه علمی در زبان‌شناسی ریشه در آراء و تحقیقات زبان‌شناس شهیر سوئیسی، سوسور^۲ دارد. در این نظریه، نشانه بعنوان نظامی حاصل از دال و مدلول است. «رابطه این دال و مدلول بدون دخالت و حضور انسان صورت می‌گیرد، زیرا به اعتقاد سوسور افراد قدرت تغییر نشانه در یک اجتماع زبانی را ندارند» (مبانی نشانه‌شناسی، چندلر: ص ۹۵). به همین دلیل نشانه‌شناسی بر «تمایزهای تقابلی و سلبی بین نشانه‌ها تأکید میکند» (نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی: ص ۲۳). نظریه‌پردازانی چون ژاک فونتنی و گرامس با تأکید بر آراء و اندیشه‌های سوسور پایه‌های علمی این نظریه را مستحکمتر ساختند. «نشانه‌معناشناسی گریماسی^۳ در پی شناسایی پیش‌شرطهای تولید معنا از طریق جریانهای حسی-ادراکی است» (تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، شعبیری: صص ۸۹-۹۰). در این نظام هر نشانه-معنا در تعامل، تباین، چالش، طرد، تقابل، واگرایی یا هم‌سویی با نشانه‌های دیگر، فرآیندی را بوجود می‌آورد که نتیجه آن به تولید معنا ختم می‌شود؛ شیوه‌ای که به کمک آن میتوان به سبک ویژه یک نویسنده یا شاعر نیز پی برد.

با توجه به پیشرفتهای اخیر در مباحث علوم انسانی و نظریه‌پردازی‌های گسترده پیرامون ادبیات و زبان‌شناسی در چند دهه اخیر، نقد و بررسی متون یکی از راه‌های دستیابی به مفاهیم و سبک نهفته آن است، بخصوص اگر این بررسیها راه و روشی نو باشند. سبک‌شناسی امروزه علاوه بر آنکه از بسیاری از علوم و زمینه‌های مختلف استفاده میکند، به شاخه‌ای بسیار تخصصی در علم زبان‌شناسی تبدیل شده است و مبانی علمی، دقیق و بسیار اصولی و استواری پیدا نموده است که میتواند بنوبه خود در پیشبرد مطالعات سبک‌شناسی تأثیر بسزایی داشته باشد. پژوهشگران پیرامون اهمیت و ارزش کتاب کلیله و دمنه و نقش و جایگاه آن در پیدایی نثر فنی و نیز نقد و بررسی داستانهای این کتاب، ساختار بیانی و نیز سبک نویسندگی آن بکرات سخن گفته‌اند اما بررسی داستانهای کتاب کلیله و دمنه براساس تحلیل سبکی نشانه-معناهای پنهان در زنجیره و بافتار سخن از مواردی است که نادیده انگاشته شده است. بر این اساس نگاه پژوهشگران در جستار پیش‌رو در جهت شناخت اندیشه، مضمون و معنای اصلی از لابلای بررسی سبکی نشانه‌ها و امکان دستیابی به الگوی پیوندی میان محتوا و نشانه‌های ساختاری صورت گرفته است. در پژوهش حاضر محتوای فکری باب شیر و گاو در کلیله و دمنه نصرالله منشی از منظر سبک‌شناسی نشانه‌معناشناختی گفتمانی بررسی میشود تا سازوکارهای شکل‌گیری سبک فکری آن از طریق نظام فرآیندی معنا، روشن گردد. بنابراین گفتمان حاکم بر داستان و فرآیند شکل‌گیری آن در ساختار فابل^۴ درخور تحلیل و درک دقیق است تا بواسطه آن بتوان به شناختی ژرف از ایدئولوژی این داستان دست یافت. پرسشهای اصلی جستار پیش‌رو عبارتند از:

الف) چگونه سیر تحول عاطفی دمنه از عاطفه مثبت به عاطفه منفی در سیر اندیشه و رفتار او در گفتمان داستان بمنظور نابودی شنزبه دخیل بود و به چه شکل سبک حضور شوشگران و شیوه تعامل آنها را تغییر داد؟ (ب) اندیشه و عاطفه چگونه کارکرد ارزشی گفتمان را تغییر می‌دهد؟

فرضیه اصلی پژوهش پیش‌رو بر آن است که حس رقابت و عنصر مهم حسادت در سبک فکری و اندیشه دمنه نقش بسیار اساسی در تحول گفتمان داستان و شکل‌گیری فرآیند عاطفی آن دارد. این پژوهش در دو بخش انجام

^۱ -Semiotic-Stylistic.

^۲ - F. Saussure.

^۳ - A. Greimas.

^۴ - Fable.

شده است. در بخش نخست به بررسی اهمیت نشانه‌معناشناسی در مطالعات سبک‌شناسی خواهیم پرداخت و در بخش دوم مبانی نظری مورد بحث را در کلیله و دمنه در باب «شیر و گاو» نصرالله منشی بررسی مینماییم. هدف از این جستار نشان‌دادن الگوی فرآیند عاطفی و فکری و چگونگی کارکرد آن در تحول شرایط گفتمان و سبک رفتاری و فکری قهرمانان باب شیر و گاو در کلیله و دمنه است.

روش مطالعه

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی بر مبنای داده‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بررسی سبک فکری و عاطفی داستان شیر و گاو در اثر کلیله و دمنه نوشته نصرالله منشی از منظر نشانه‌معناشناسی گفتمانی مورد نظر است که با تحلیل پیکره انجام میشود و بدین منظور چاپ بیست و یکم این اثر در سال ۱۳۸۱، توسط محقق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

سابقه پژوهش

با وجود مطالعات بسیاری که در زمینه معناشناسی صورت گرفته است تاکنون به مبحث سبک‌شناسی از منظر این رهیافت چندان توجهی شده است؛ یا به عبارت دقیق‌تر در زمینه سبک‌شناسی ادبیات با توجه به مطالعات نشانه‌معناشناسی چندان کار علمی صورت نگرفته است؛ اما درخصوص نشانه‌معناشناسی منابع قابل توجه و سودمندی را میتوان معرفی نمود که در ادامه به برخی از آنها اشاره مینماییم. شعیری (۱۳۹۲) در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان به ابعاد و گفتمان» با توجه به ابعادی مانند حسی-ادراکی، بعد عاطفی و زیبایی‌شناسی توجه نموده است. نویسنده در این اثر چگونگی فرآیند تولید معنا را از منظر نشانه‌معناشناسی با کارکرد تعاملی بصورت کامل مورد توجه قرار داده است. نیز در کتاب «روایت‌شناسی کاربردی، تحلیل زبان‌شناسی روایت: تحلیل کاربردی بر موقعیتهای روایی، عنصر پیرنگ و نحو روایی در روایتها» از عباسی (۱۳۹۲)، به طرز بسیار منسجم و سازمان‌یافته‌ای در دو قسمت مفاهیم نظری و کاربردی با ذکر نمونه‌هایی از متون روایی مباحث روایت‌شناسی در نظام نشانه‌معناشناسی مورد واکاوی قرار گرفته است. در میان پژوهشهای خارجی در سال ۱۹۷۲ اصطلاح سبک‌شناسی نشانه‌ای^۱ برای نخستین بار در مقاله‌ای با همین نام توسط واسکو^۲ مورد استفاده قرار گرفت. وی دلیل اهمیت و جایگاه این شاخه از دانش را در آن میدانست که مطالعات سبک‌شناسی را از سطح ظاهر و صورت یک اثر فراتر برده و به سطح معنایی نزدیک میسازد (واسکو، ۱۹۷۲). در میان مقاله‌های داخلی از منظر سبک‌شناسی تاکنون پژوهش کامل و جامعی پیرامون سبک‌شناسی نشانه-معنایی بجز یک مقاله از دُرپر (۱۳۹۶) با عنوان «سبک‌شناسی نشانه-معنایی، سبک بوشی حضور در داستان کودکان کلاغ سفید» پژوهش دیگری صورت نگرفته است. نویسنده در این مقاله بعنوان نمونه موردی، «داستان کلاغ سفید»، از نویسنده معاصر، وطن‌پرست، را با توجه به رویکرد نشانه-معنایی از جهت سبکی بررسی نموده است. در این مقاله تنها بر پایه سبک بوشی به مطالعه داستان مورد نظر پرداخت شده است و گفتمان بوشی (سوژه پیوسته در حال شدن) را در داستان مورد بررسی قرار داده است. نبی‌لو (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «روایت‌شناسی داستان بوم و زاغ از منظر گریماس» پیرفته‌ها و زنجیره‌های ارتباطی داستان در قالب نشانه‌معناشناسی گریماس را ارزیابی نموده است. با توجه

^۱ - Semi stylistics

^۲ - A. Vasques

به اندک بودن پژوهشهای مربوط به این موضوع بویژه در زمینه سبک‌شناسی متون کلاسیک ادبیات فارسی، در پژوهش حاضر، سبک‌شناسی نشانه-معنایی در باب شیر و گاو کلیله و دمنه نصرالله منشی با توجه به سه کنش کارکردی اصلی و فرعی رولان بارت^۱ مورد بررسی قرار گرفته است.

در پژوهش پیش‌رو و با توجه به قابلیت‌های نظری رویکرد سبک‌شناسی نشانه‌معناشناسی در تحلیل متن ادبی، تاکنون پژوهشی پیرامون متون کلاسیک ادب فارسی از جمله کلیله و دمنه صورت نگرفته است؛ لذا پیکره مورد مطالعه در این جستار قادر است نوآوری پژوهش حاضر را در سطح مطالعات توصیفی-تحلیلی نشان دهد. ازاین‌رو با توجه به جای خالی مطالعات سبک‌شناسی از منظر رویکردهای نشانه‌معناشناسی گفتمانی پژوهش حاضر را میتوان جزو اولین تلاشها در این زمینه در بررسی متون کلاسیک بحساب آورد.

بحث و بررسی

نشانه‌معناشناسی ابزاری علمی و روشی سودمند است که با کمک آن میتوان سازوکارهای شکلگیری و تولید معنا را در میان گفتمانهای یک متن بررسی و مطالعه کرد. «در نشانه‌معناشناسی، هر نشانه در تعامل، چالش، تبانی، پذیرش، طرد، تناقض، همگرایی، واگرایی، همسویی یا دگرگونی یا نشانه‌های دیگر حرکتی فرآیندی را رقم میزند که این حرکت راهی است بسوی تولید معناست» (راهی به نشانه‌معناشناسی سیال با بررسی موردی ققنوس نیما، شعیری: ص ۱). بر این اساس در یک اثر، این نظامهای گفتمانی هستند که فرآیند معناسازی را شکل میدهند. «در نشانه‌معناشناسی، برخلاف نشانه‌شناسی کلاسیک و ساختگرا، نشانه‌ها فرصت نشانه‌پذیری دوباره مییابند و از نشانه‌های معمول با کارکردهای رایج و تکراری به نشانه‌های نامعمول و نو با کارکردهای نامنتظر و زیبایی‌شناختی تبدیل میشوند» (تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، شعیری: ص ۷). حال هر زمان که فرآیند نشانه‌معناشناسی محقق شود و در متن و کنش زبانی آن منعکس گردد، گفتمان بوجود خواهد آمد.

بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌معناشناسی در مطالعات سبکی

نشانه‌معناشناسی بدنبال مشخص ساختن و آشکار کردن ارتباط بین ساختارهای جزئی و کلی یک متن است و از این قابلیت و ویژگی مهم برخوردار است که محتوا را بررسی نماید. ژاک فونتنی^۲ در تبیین این نقش و عملکرد علم نشانه‌معناشناسی معتقد است که «در میان تمام رویکردهای متن، مهمترین خصوصیت نشانه‌معناشناسی این است که به فرمهای متنی کلیت‌مدار، از جمله فرمهای روایی، عاطفی، گفتمانی و حتی تجربه حسی و احساس‌مدار، توجه میکند» (نامه نقد، فونتنی: ص ۱۸). این میزان از توجه نشانه‌معناشناسی به فرمهای متنی را میتوان نقطه قوت آن در تبیین رویکرد سبک‌شناسانه به متن دانست، چراکه بررسی متن را بصورت همه‌جانبه در نظر میگیرد. «نشانه‌معناشناسی بر کلیت معنا و فرآیند تولید معنا سازی براساس رابطه بین صورت و محتوا تأکید دارد و به شرایط تولید، خلق و تغییر معناها توجه میکند» (نشانه‌معناشناسی ادبیات نظریه دروس تحلیل گفتمان ادبی، شعیری: ص ۳۲). ازاین‌رو سبک را در بررسی نظام نشانه‌شناسی گفتمانی میتوان به «انتخاب جریانهای معنایی در فرآیند تعاملی گفته‌پردازی تعبیر نمود» (همانجا). سبک‌شناسی از گذشته تاکنون بیشتر متکی بر صورتگرایی بوده

^۱ -R. Barthes

^۲ -J. Fontanille

است، اما بررسی‌های نشانه‌معناشناسانه در یک اثر کمک میکند تا سبک از حالت صورت‌گرا خارج شود و رهیافتی معنایی بیابد (سبک‌شناسی نشانه-معنایی؛ سبک بوشی حضور در داستان کودکانۀ کلاغ سفید، دُرپر: ص ۳۰).

طرح مؤلفه سبک‌شناسی نشانه-معنایی

بمنظور بررسی و تبیین سبک‌شناسی نشانه‌معناشناسانه، درنظر گرفتن مبنایی برای طرح مؤلفه‌های سبکی ضروری است. در مطالعات سبکی با توجه به نویسنده، متن، گونه و حتی زمان و دوره موردبررسی، راوی بعنوان نویسنده یا یکی از شخصیت‌های اثر میکوشد با توجه به تجربیات حسی-ادراکی خویش، خواننده را بعنوان شریک گفتمانی در تجارب خود سهیم نماید. از منظر سبکی در فرایند نشانه‌معناشناسانه، کنش، کنشگران، تعامل بین آنها، رابطه بین برونه و درونه، بافت و موقعیتی که در آن کنش شکل گرفته و تحول یافته، ویژگی‌های فرهنگی و... همه دست‌به‌دست هم میدهند تا سبک را در معنای انتخاب جریانه‌های معنا ساز در فرایند تعاملی گفته‌پردازی معنا نمایند. از سوی دیگر میتوان سبک یک اثر هنری را فرایندی نشانه-معنایی بشمار آورد، چراکه در آن با چهار مرحله از روند ایجاد نشانه مواجهیم: نخست نشانه‌های هویت‌ساز، یعنی نشانه‌هایی که سبک هویتی یک اثر شکل میدهند. این ساختار هویتی بخش مهمی از افق نشانه‌ای (سپهر نشانه‌ای) را شکل میدهد (نشانه‌معناشناسی ادبیات نظریه درس تحلیل گفتمان ادبی، شعیری: ص ۲۸). مرحله دوم باورها و ارزشهای یک متن یعنی اشکال بوشی حضور است که سبک اخلاقی متن را شکل میدهد. ارزشها و باورها خود براساس فرایند راستایی آزمایی و مشروعیت یک نظام گفتمانی شکل میگیرد و این درست همان نکته‌ای است که بعنوان سبک ارزشی و اخلاقی میتوان در متون تعلیمی دنبال نمود. مرحله سوم، بر اساس روابط همنشینی و جانشینی شکل میگیرد. یعنی شیوه‌های استمرار و تثبیت یک شکل و ترجیح آن بدلیل همجواری و همسانی با اشکال و نشانه‌های دیگر؛ بعنوان نمونه زبان تثبیت‌شده در ناخودآگاه جمعی. مرحله چهارم، نقش‌پذیری کنشگران اجتماعی و اصرار و پافشاری آنان بر پذیرش نقش خود براساس باورهایی که ازطریق نشانه‌های ارزشی به آنان انتقال پیدا کرده است. در داستانهایی با محوریت حیوانات که قهرمانان آن به کمک گونه روایی تمثیل و فابل به ایفای نقش میپردازند، معمولاً هدف آموختن و تعلیم یک اصل یا حقیقت اخلاقی است (حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تقوی: ص ۹۲). قهرمانان فابل، جانورانی هستند که به هدف بیان مفاهیم اخلاقی و نقد سیاسی اجتماعی توسط نویسندگان، شخصیت انسانی مییابند (همانجا)، تا از رهگذر این قهرمانان حیوانی، ارزشهای حاکم بر جامعه در گفتمانی نشانه معنادار، مورد بررسی قرار گیرد. با این توضیحات، روند چهارگانۀ ذکرشده را در ادامه بعنوان مراحل شکل‌گیری سبکی نشانه‌معناشناسانه در باب شیر و گاو از کلیله و دمنه منشی، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سیر حوادث در باب شیر و گاو و موضوع داستان

باب شیر و گاو یکی از طولانیترین و درعینحال اصیلترین بابهای کلیله و دمنه است. داستانها و حوادث آن حول دو شغال (کلیله و دمنه) و شیر و گاو میچرخد. در خلال حکایت اصلی داستان، پانزده حکایت فرعی در جریان است. بازرگانی فرزندان خود را به کسب‌وکار فرامیخواند و از آنان میخواهد به کسب روزی حلال روی آورند. یکی از فرزندان به قصد تجارت دو گاو را با خود به همراه میبرد. یکی «شنزبه» و دیگری «دندبه» نام دارد. «شنزبه» در بین راه توان حرکت خود را ازدست میدهد و جوان او را به حال خود میگذارد. پس از چندی گاو هوش و توان ازدست‌رفته خود را بازمییابد و تنومند و قوی میگردد و بسبب برخورداری و مستی، نعره سرمیدهد. چراگاهی که

گاو در آن بسر میبرد، تحت حاکمیت شیری است که بر تمام حیوانات حکومت میکند. شیر که تا آن زمان، گاو ندیده است از صدای او به لرزه می‌افتد. دمنه با حيله و مکر از ترس شیر استفاده میکند و به نزد او می‌رود و کاری میکند که شیر دیگر از صدای گاو نترسد و با آوردن گاو نزد شیر میان آن دو الفتی ایجاد مینماید تا جایی که کم‌کم گاو محرم اسرار شیر میشود و این موضوع حسادت دمنه را برمی‌انگیزد. در تمام این مدت کلیله همراه دمنه است و زمانی که حسادت دمنه را به گاو میبیند، او را با خردمندی هرچه تمامتر نصیحت میکند و سعی مینماید مانع کشتن گاو شود اما تلاش او بی‌ثمر است و سرانجام گاو به فرمان شیر کشته میشود؛ اما شیر پس از مدتی به یاد خردمندی، کاردانی، عقل و درایت گاو می‌افتد و از این عمل خویش پشیمان میگردد و فریبکاری و تزویر دمنه نیز بر وی آشکار میشود و دمنه نیز به فرمان شیر به خواری و ذلت، به انتقام خون گاو کشته میشود (ر.ک کلیله و دمنه: باب شیر و گاو).

بررسی باب شیر و گاو از منظر رویکرد سبکی نشانه‌معناشناسی:

باب شیر و گاو با کنش و نظام نشانه‌ای خاص در راستای دو هدف عمده طرح‌ریزی شده است: ستایش خرد و نبرد قدرت.

الف) فرایند تحریک عاطفی-فکری

در این مرحله، شوشگر درگیری عاطفی-فکری خاصی دارد و «حضور عاطفی از نظر گستره‌ای یا فشاره‌ای در او شکل میگیرد» (تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، شعیری: ص ۷۲). در داستان کلیله و دمنه، در باب مذکو، گفته‌پرداز، ما را با شوشگری به نام دمنه آشنا میکند: «دمنه چون بدید که شیر در تقریب گاو چه ترحیب مینماید و هر ساعت در اصطفا و اجتنای وی می‌افزاید، دست حسد سرمه بیداری در چشم وی کشید و فروغ خشم آتش غیرت در مغرش وی پراکند تا خواب و قرار از وی بشد» (کلیله و دمنه: ص ۷۴).

برافروختگی دمنه از آتش غیرت نمایه‌ای جسمانه‌ای است که بیانگر مدلول و گونه عاطفی خشم اوست. آهنگ گفتار دمنه نیز در تعامل با بیان جسمی او حالتی از غم و اندوه را پدید می‌آورد: دمنه از مقامی که شنبه در نزد شیر یافته، بسیار اندوهگین است؛ از اینرو با حالتی حيله‌گرانه و مغموم پس از چند روز غیبت به زمینه‌چینی نزد شیر می‌پردازد تا او را برای شنیدن سخنانش آماده سازد: «شیر گفت وفور امانت تو مقرر است... آنچه تازه شده است بازنمای... دمنه گفت شنبه بر مقدمان لشکر خلوتها کرده است و هریک را بنوعی استمالت نموده و گفت که شیر را آزمودم و رای و مکیدت او بدانست و در هریک خللی و ضعفی شایع دیدم و ملک در اکرام آن کافر نعمت غدار، افراط نمود... و دست او در امر و نهی و حلّ و عقد گشاده و مطلق کرد تا دیو فتنه در دل او بیضه نهاد» (همان: ص ۸۰).

نکته قابل‌توجه، تأثیر حس عاطفی و اندیشه منفی شوشگر (دمنه) بر فضای گفتمان است. شیر نیز تحت تأثیر القائات وی طبق اصل سرایت‌پذیری دچار تغییر اندیشه و فکر میشود. شیر ابتدا نمیخواهد موقعیت شنبه را دچار تغییر کند، از اینرو در مقابل اصرار دمنه که میخواهد فضای گفتمان را بسمت خشم و ناراحتی شیر در حق گاو تیر و تباه سازد، مقاومت میکند و به آسانی حاضر نیست سخنان دمنه را بپذیرد: «شیر گفت: معلوم شد. لکن گمانی نمیباشد که شنبه خیانتی اندیشید... دمنه گفت: همچنین است و فرط اکرام ملک این بَطَر بدو راه داده است» (همان: ص ۹۳).

در این گفتمان عاطفی، بیداری یا تحریک عاطفی نخستین مرحله از مراحل عاطفی گفتمان است.

ب) سبک سیال و حس-ادراکی کلیله و دمنه در فرآیند تنشی^۱ و توانش عاطفی

در نظام نشانه‌معناشناسی گفتمانی، نشانه‌ها گونه‌های سیال و حسی-ادراکی هستند که می‌توانند در فرآیندهای مختلف ظهور یابند و سبکساز شوند. مهمترین فرآیند یک گفتمان «طرحواره تنشی است که حرکتی جهتدار است و ایدئولوژی و سبک فکری یک اثر را در طیف معنایی از کم‌رنگترین به پررنگترین شکل تحت تأثیر و نوسان قرار میدهد. این طرحواره از دو بُعد فشار-قبض - که همان محور گونه‌های عاطفی است و گستره- بسط- که محور گونه‌های شناختی است بهره‌مند است. افزایش یا افت تنش در گفتمان پیامد تعامل و رابطه دو بعد فشار و گستره است. چنین ارتباط و تعاملی به معنی حضور یک عامل فکری-انسانی در مطالعات نشانه‌ای است. در این رویکرد، انسان، افکار و روحيات وی در حضوری ادراکی-حسی در تعامل با پدیده‌های دنیا قرار میگیرد که در نتیجه آن فرآیندی تنشی شکل خواهد گرفت. آنگاه که در یک داستان قهرمان داستان (شوشگر)، براساس ادراکی حسی در تعامل با شرایط و رقیب از حالت ایستایی به پویایی دست یابد و به درک ارزشهای تازه نائل شود و به بالاترین ادراک و ایدئولوژی (حضور عاطفی-فکری) دست یابد فرآیند تنشی گفتمان رخ داده است. این فرآیند در سبک‌شناسی فکری چیزی نیست جز حضور ایدئولوژی. حضور حسی-ادراکی شخصیتها در یک اثر، رابطه از پیش تعیین‌شده دال و مدلول را به رابطه‌ای سیال، منعطف و رخدادی تبدیل میکند. هرچه احساس و ادراک قویتر باشد، زبان توانایی بیشتری برای برهم ریختن و بازآفرینی پیدا میکند. قدرت و خرد در داستانهای کلیله و دمنه از ویژگی ممتاز و سبکی خاص برخوردار است. عمده استفاده فکری نویسنده از داستانهای کلیله و دمنه بهره‌گیری فابل بمنظور نشان دادن قدرت خردورزی و قدرت در ساختار سیاسی است.

در ساختار قدرت سیاسی کتاب کلیله و دمنه، دمنه نشانه‌ای از توانش عاطفی مکر و نیرنگ است. شوشگری عاطفی که با افعالی مؤثر ظاهر میگردد. چنین ساختار هویتی، سبک فکری و رفتاری خاص را برای او رقم میزند. ویژگی و سبک رفتاری دمنه به صورتی است که خود مستقیماً نقشی در سرنگون کردن رقیب (شنزبه) ندارد اما بر افعال کنشی شیر بعنوان حاکمیت مطلق و قدرت سیاسی داستان تأثیر مستقیم میگذارد. دمنه در پی برتری‌جویی است و تقرب و نزدیکی به شیر را تنها راه «جستن منزلت عالی» میداند: «در این فرصت خویش را بر شیر عرضه کنم که تحیر بدو راه یافته‌است و او را به نصیحت من تفرجی حاصل آید و بدین وسیله قربتی و جاهی یابم» (کلیله و دمنه: ص ۶۵).

در این گفتمان حرکت فکری دمنه بسوی برتری‌جویی تحت تأثیر اراده بالای او در زیاده‌خواهی است و عبارتی را که میگوید «تفرجی حاصل آید» (همانجا)؛ درحقیقت میزان ارزش خواسته او را نشان میدهد. فعل «خواستن» نشانه‌ای از توانش عاطفی و سبک سیال و حسی-ادراکی دمنه در رسیدن به فرآیند تنشی است. «فعل مؤثر خواستن در معناشناسی، تصویر هدف^۲ نامیده میشود». تصویر هدف دمنه است که افکار او را بسمت نیرنگ و تزویر و فریب برای ازمیان برداشتن شنزبه، هدایت میکند. هدف دمنه تنها یافتن پایگاه و جایگاه برتر و استعلاء مقام است تا جایی که در برابر مخالفت کلیله برای جاه‌طلبی میگوید: «چون مرد دانا و توانا باشد مباشرت کار بزرگ و حمل بار

^۱ -Tension

^۲ - Target.

گران او را رنجور نگرداند و صاحب همت روشن رای را کسب کم نیابد و عاقل را تنهایی و غربت زیان ندارد» (همان: ص ۶۴).

گفتمان بالا حاکی از دو فعل مؤثر «خواستن» و «توانستن» است. حس اعتمادبه‌نفس بالای دمنه ریشه در باور او دارد. او خواهان یافتن پایگاه برتر است و همین باور او را تشویق میکند تا جایی که معتقد است در راه خواستن باید «خطر» کرد: «هرکه از خطر بپرهیزد، خطیر نگردد... و در سه کار خوض نتوان گرد مگر به رفعت همت و... گویند مقام صاحب مروت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران مکرم یا در میان زهاد قانع محترم» (همان: ص ۶۷).

شوش یا هویت عاطفی-فکری

دمنه در اینجا بعنوان شوشگر، هویت عاطفی-فکری خاصی مییابد و آن هم چیزی نیست جز احساس «کینه». این شوش فکری-عاطفی زمانی به تثبیت میرسد که دمنه متوجه قابلیت‌ها و کارایی شنزبه و ارزش و اهمیت او نزد شیر میشود: «شیر او [شنزبه] را به خویشتن نزدیک گردانید... و روی به تفحص حال و استکشاف کار او آورد و اندازۀ رای و خرد او به امتحان و تجربت بشناخت و پس از تأمل و مشاورت و تدبّر و استخارت، او را مکان اعتماد و محرم اسرار خویش گردانید و هر روز منزلت وی در قبول و اقبال شریفتر و درجت وی در احسان و انعام منیفتتر میشد تا از جملگی لشکر و کافۀ یاران نزدیک درگذشت» (همان: صص ۷۴-۷۳).

تا اینجا از شوش عاطفی گفتمان و تأثیر آن در اندیشه دمنه و سبک رفتاری او سخن گفتیم. همین شوش عاطفی (کینه) به عامل محرکی برای دمنه تبدیل میشود و حس رقابت را در او بیدار میکند و او را برای ازمیان برداشتن رقیب، قدرتمند میسازد. در این میان آنچه قدرت دمنه را برای ازمیان بردن شنزبه نمایان میکند، نوعی عمل حاضرسازی میباشد که آن را در این گفتمان میبینیم: «طریق آن است که به حیلّت در پی گاو ایستم تا پشت زمین را وداع کند و در دل خاک منزلی آبادان گرداند» (همان: ص ۸۰).

گفتمان بالا، گویای ضعف شخصیتی و افکار دمنه است که بصورت رقت‌باری سعی دارد موقعیت خود را به هر صورتی که هست بالا ببرد. این نحوه تفکر ناشی از آگاهی دمنه به نقصانی است که در خود میبیند. او بخوبی میداند که جایگاهش نزد شیر مانند شنزبه نیست. احساس حضور رقیب، دمنه را قادر به درک و دریافت تفاوتها کرده است و همواره از حضور شنزبه متأثر است. بنابراین میتوان گفت شوش عاطفی دمنه نوعی مدیریت بحران از نوع منفی در راستای خارج شدن از تنزل معنا و بی‌کنشی است تا به توان و اقتدار دست یابد.

ارزیابی فرآیند عاطفی

آخرین مرحله از فرآیند عاطفی، نوعی ارزیابی و قضاوت است. در این مرحله توانش عاطفی شوشگر، به قضاوت گذاشته میشود. دمنه به قضاوت و ارزیابی ماجرای مقام یافتن شنزبه به نزد شیر میپردازد و ارزیابی او از این روست که نمیتواند مقام و جایگاهی را که شنزبه نزد شیر دارد، بپذیرد؛ در نتیجه ارزشی فراتر از نابودی شنزبه در نظر دارد و آن هم یافتن رتبه‌ای بالاتر از شنزبه نزد شیر است. دمنه بعنوان شوشگر راز ماندگاری را ارتکاب فریب و حقه و نیرنگ میداند و اذعان میدارد تنها در این صورت است که میتواند حقوق از دست‌رفته‌اش را احیا نماید؛ دمنه پیرامون رسیدن به این جایگاه چنین میگوید: «هرکه نفس شریف دارد، خویشتن را از محلّ وضع به مراتب رفیع میرساند و هرکه را رأی ضعیف و عقل سخیف است، از درجات عالی به رتبۀ خامل گراید... و ما که سزاواریم بر

آنچه منزلت عالی جویییم و خمول و انحطاط راضی نباشیم» (همان: ص ۶۵). عدم رضایت دمنه از «محل وضع» و تلاش برای رسیدن به منزلت «شریف» ارزیابی وی از خود و جایگاهش را دربر میگیرد.

بیداری عاطفی (مرحله دوم)؛ بازجست کار دمنه

این مرحله، مرحله آگاهی و بیداری عاطفی شیر است. در این بخش پس از آنکه شیر با سعایت و بدگویی دمنه، سبب مرگ شنزیه میشود، بیکباره مرحله منفی باور یعنی ناباوری را در خود مشاهده میکند. شیر که پس از فقدان گاو، بعنوان بهترین مشاورش، به خود آمده است، به دمنه بدبین میگردد: «شیر در آن حادثه چون به عقل خود رجوع کرد در دمنه بدگمان گشت» (همان: ص ۱۲۷).

شیر مرگ بناحق شنزیه و توطئه‌چینی توسط دمنه را باور ندارد و از سویی به صداقت و وفاداری دمنه مطمئن است؛ بنابراین دستور میدهد به بازجست کار او بپردازد تا حقیقت بر او آشکار شود. شیر در پاسخ یاران خود، که دمنه را عامل اصلی و مقصر مرگ شنزیه میدانند، هنوز در مرحله ناباوری است. آنگاه که دمنه از خود به دفاع میپردازد، واکنش شیر چنین است: «شیر گفت او را به قضات باید سپرد تا از کار او تفحص کنند چه در احکام سیاست و شرایط انصاف و معدلت بی‌ایضاح بینت و الزام حجت جایز نیست عزیمت را در اقامت حدود به امضا رسانیدن» (همان: ص ۱۳۴).

در این گفتمان همه‌چیز حکایت از پشیمانی و ناباوری شیر در گناهکار بودن دمنه و توطئه‌چینی او برای مرگ گاو دارد. غیاب گاو توان حرکتی شوشگر را نشانه رفته است: «رخداد این حالت درست همان چیزی است که از آن به غایب‌سازی یاد میشود و برابر است یا تهی، هیچ و محو شدن گونه‌ای که در خارج از میدان حسی-ادراکی شوشگر قرار گرفته است و هر نوع دسترسی به آن را غیرممکن مینماید» (راهی به نشانه‌معناشناسی سیال با بررسی موردی ققنوس نیما، شعیری: ص ۹۹). بروز این حالت بخوبی نشان میدهد که شوشگر (شیر) در اینجا با خلأ باور مرگ شنزیه و گناهکار بودن دمنه مواجه است. ازاینرو بدرستی توان تصمیم‌گیری ندارد و عاطفه اندوه سراسر وجود او را فراگرفته است:

«دیگر روز مادر شیر به دیدار پسر آمد او را چون غمناکی یافت. پرسید که موجب چیست؟ گفت کشتن شنزیه و یاد کردن مقامات مشهور و مآثر مشکور که در خدمت من داشت. هرچند میکوشم ذکر وی از خاطر من دور نمیشود و هرگاه که در مصالح ملک تأملی کنم و از مخلص مشفق و ناصح واقف اندیشم دل بدو رود و محاسن اخلاق او بر من شمرد» (همان: ص ۱۲۹)

گفتمان بالا بیانگر تغییری است که در سبک حضور شیر بعنوان شوشگر ایجاد شده است؛ به تعبیری دیگر حس و باور شیر دچار تغییر شده و اندیشه او پیرامون اعمالی که انجام داده است متحول گردیده است.

ارزیابی عاطفی کلیله

در داستان مذکور کلیله، که شغالی حازم و دوراندیش و عزلت‌گزین است، نقش رابطه‌ای را در ارزیابی رفتار و گفتار دمنه برعهده دارد. درحقیقت کلیله نماد فرامن^۱ و هویت ناخودآگاه دمنه است که در قالب تذکر است پی‌درپی او را به راه و روش انسانی نصیحت میکند. شوشگری کلیله در قالب ارزیابی مدام او از حوادث و اتفاقات از ابتدا تا انتهای داستان (بازجست کار دمنه) جریان دارد. کلیله قضاوت خود را که از بسامد مکرر خوردار است با طرح یک

^۱ - Superego

نظام ارزشی-اخلاقی در فضای تنشی گفتمان و بار عاطفی تأثیرگذاری به زبان می‌آورد. آن هنگام که دمنه از بلندپروازیهای خود برای تقرب به دستگاه سلطان سخن میگوید، کلیله چنین پاسخگوی اوست: «به عقل خود رجوع کن و بدان که هر طایفه‌ای را منزلتی است و ما از آن طایفه نیستیم که این درجات را مرشح توانیم بود در طلب آن قدم توانیم گزارد» (کلیله و دمنه: ص ۶۳).

کلیله پیش از آنکه بمانند همتای خود دمنه، بلندپروازی را در سر بپروراند، آن را بصورت هولناک و منفی ارزیابی مینماید. فرآیند عاطفی و نقش «کلیله» در داستان، تعدیل‌کننده اشتباهات رفتاری دمنه است، تا با زندهار و نهیبی که به او میزند و در اختیار گذاردن مجموعه‌ای درست از نشانه‌ها به او، گفتمان جدیدی را پی‌ریزی کند؛ آنجا که در پاسخ به قصد و نیت دمنه برای رفتن به دربار شیر میگوید:

«چگونه قربت و مکانت جویی نزد شیر؟ که تو خدمت ملوک نکرده‌ای و رسوم آن ندانی» (همان: ص ۶۴).
«کلیله گفت اگر رای تو بر این کار مقرر است و عزیمت در امضای آن مصمم، باری نیک بر خور باید بود که بزرگ خطری است» (همان: ص ۶۶).

ارزیابی کلیله از جرمی که دمنه مرتکب شده است بدینگونه ارائه گردیده است: «سخن کلیله آنجا رسیده بود که: هول ارتکابی کردی و این غدر و غمز را مدخلی نیک باریک جستی و ملک را خیانتی عظیم روا داشتی و ایمن نتوان بود که ساعت‌به‌ساعت به وبال آن مأخوذ شوی و تبعیت آن به تو رسد» (همان: ص ۱۲۸). دمنه اما پشیمان نیست: «دمنه گفت که... کار گذشته تدبیر را نشاید، خیالات فاسد از دل بیرون کن و دست از نیک و بد بردار و روی به شادمانگی و فراغت آر که دشمن برفتاد» (همانجا).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مراحل مختلف فرآیند سبک عاطفی در گفتمان نشانه‌معناشناسی داستان شیر و گاو بررسی گردید. آنچه در این گفتمان اهمیت ویژه‌ای دارد، نوع حضور شوشگران آن (دمنه، شیر و کلیله) در گفتمان داستان است که با بتصویر کشیدن رخدادها و حوادث مختلف از آرزوی دمنه برای ارتقاء یافتن در دربار شیر تا توطئه او علیه شنزبه و گرفتار شدن وی به عقوبت کارش نزد شیر، روند مختلف گفتمان عاطفی داستان را تشکیل میدهد. در بخش نخست حضور ناگهانی شنزبه نزد شیر و تداوم حس حضور او، احساس یا سبک حضور دمنه را بعنوان شوشگر تحت تأثیر قرار میدهد و او را بسمت حس رقابت و حسادت سوق میدهد. باور به حضور رقیب، دمنه را به سطح بالایی از کنش هدایت مینماید و او بدنبال تحقق خواسته و آرمان خویش بدنبال نابودی رقیب است. اما در ادامه، روند گفتمان در مرحله دوم دچار تغییر میشود و این بار حضور شوشگر ثانویه، یعنی شیر در داستان نمود مییابد. شیر از اینکه سخن‌چینی حاسدان سبب مرگ شنزبه شده است بسیار اندوهگین مییابد، از سویی باور ندارد که این کار به توطئه اطرافیانمانند دمنه رخ داده باشد. ازاینرو گفتمان عاطفی وی به گوشه‌گیری و انزوا ختم میگردد. به عبارتی شوشگر دریافته است که با کشتن شنزبه خط بطلانی بر معانی ارزشمند اطراف خویش کشیده است. پس از این رخداد با تفحص بیشتر شیر ردپایی از دخالت دمنه در ماجرای قتل شنزبه بر او آشکار میشود و جریان ارزشی (انتقام از دمنه) در آخر به مرگ خود دمنه توسط شیر ختم میگردد و دمنه در میدان عملیاتی قرار میگیرد که دیگر فاقد معناست و کارکردی کنشزا ندارد.

در این داستان، شوش عاطفی (کینه) به عامل محرکی برای حسادت و پلیدی تبدیل میشود و حس رقابت را بیدار میکند و راه را برای ازمیان برداشتن رقیب باز میکند. در این میان آنچه قدرت ازمیان بردن را نمایان میکند، نوعی عمل حاضرسازی است. این ضعف شخصیتی شوشگر است که بصورت رقبتباری وی را بر آن میدارد تا موقعیت خود

را به هر صورتی که هست بالا ببرد. این نحوه تفکر، ناشی از آگاهی شوشگر منفی داستان به نقصانی است که در خود میبیند، زیرا بخوبی میداند جایگاهش در نزد قدرت، بی‌ارزش است. احساس حضور رقیب، حس تأثر را ایجاد میکند و بنابراین میتوان گفت شوش عاطفی شوشگر نوعی مدیریت بحران از نوع منفی در راستای خارج شدن از تنزل معنا و بی‌کنشی است تا به توان و اقتدار دست یابد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبانشناسی مصوب در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فروغ کاظمی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و ۳۰ درصد نگارش این مقاله را به عهده دارند. سرکار خانم نادیا وارمیلی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی ۷۰ درصد نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

با تشکر از الطاف خداوند منان، بدین وسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه پیشبرد اهداف آموزشی و پژوهشی تقدیم میدارم. همچنین از مسئولان فرهیخته مجله ادبی «بهار ادب» کمال تشکر را داشته و از درگاه ایزد منان دوام، عزت، سلامت و تداوم راه فرهیخته آنان در راستای دستیابی به اهداف عالی پژوهشی ملت شریف ایران را مسئلت دارم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Chandler, Daniel. (۲۰۰۸). *Fundamentals of Semiotics*, translated by Mehdi Parsa, Tehran: Surah Mehr, p. ۹۵.
- Dorpar, Maryam. (۲۰۱۷). Sign-Semantic Stylistics; Bushy Style in the Children's Story of the White Crow, *Journal of Linguistic Essays*, No. ۴, pp. ۴۶-۲۷.
- Fontaine, Jacques. (۲۰۱۲). Letter of Criticism (Proceedings of the Second Conference on Literary Criticism with a Semiotic Approach to Literature), by Hamidreza Shairi, Tehran: Book House, p. ۱۸.
- Nasrollah Monshi, Abolma'ali. (۲۰۱۴). *Kelileh and Demneh*, edited and explained by Mojtaba Minovi, fourth edition, Tehran: Amirkabir.
- Shairi, Hamidreza. (۲۰۱۶). *The Semantic Sign of Literature Theory of Literary Discourse Analysis Courses*, Tehran: Tarbiat Modarres.

- Shairi, Hamidreza. (۲۰۱۲). Analysis of the Semantic Sign of Discourse, Second Edition, Tehran: Samt.
- Shairi, Hamidreza. (۲۰۱۶). A Way to the Sign of Fluid Semantics with a Case Study of Phoenix Nima, Tehran: Scientific and Cultural.
- Sojudi, Farzan. (۲۰۰۸). Applied Semiotics, Tehran: Elm, p.۲۳.
- Taghavi, Mohammad. (۱۹۹۷). Animal Stories in Persian Literature, Tehran: Rozaneh, p.۹۲.

فهرست منابع فارسی

- تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، چاپ دوم، تهران: سمت.
- حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تقوی، محمد (۱۳۷۶)، تهران: روزنه.
- راهی به نشانه‌معناشناسی سیال با بررسی موردی ققنوس نیمان، شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، تهران: علمی و فرهنگی.
- سبک‌شناسی نشانه-معنایی؛ سبک بوشی حضور در داستان کودکانه کلاغ سفید، درپر، مریم (۱۳۹۶)، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای زبانی، شماره ۴، صص ۴۶-۲۷.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، ابوالعالی (۱۳۹۳) به تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- مبانی نشانه‌شناسی، چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- نامه نقد فونتنی، ژاک (۱۳۹۱)، (مجموعه مقالات دومین همایش نقد ادبی با رویکرد نشانه‌شناسی ادبیات)، به کوشش حمیدرضا شعیری، تهران: خانه‌کتاب.
- نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، تهران: علم.
- نشانه‌معناشناسی ادبیات نظریه دروس تحلیل گفتمان ادبی، شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، تهران: تربیت مدرس.
- Vasques, A. (۱۹۷۲). Semiotylistics, Bable, ۲۵ (۴), PP.۲۰۴- ۲۰۶.

معرفی نویسندگان

نادیا وارمیلی: دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: nadia.varmili1987@gmail.com)

فروغ کاظمی: دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: f.kazemi86@yahoo.com : نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Nadia Varmili: PhD Student, Department of Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: nadia.varmili1987@gmail.com)

Forough Kazemi: Associate Professor, Department of Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: f.kazemi86@yahoo.com : Responsible author)